

دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام)

اسدالله نقدی^۱، سارا دارابی^{۲*}

چکیده

گسترش شهرها در دوران معاصر، همراه با پیچیدگی‌های خاص خود از یک‌سو و طرح موضوع فضاها یا قلمروهای عمومی، امکان و کیفیت حضور و بهره‌برداری از این فضاهای شهری از سوی دیگر، سبب شد تا موضوع زنان و شهر در ادبیات جامعه‌شناسی شهری وارد شود. این پژوهش سعی در واکاوی تجربه و درک زنان از حضور در و دسترسی به فضاهای شهری طراحی‌شده در شهر ایلام دارد. بدین منظور و با استفاده از روش کیفی با ۱۵ زن ایلامی مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام و دیدگاه زنان در خصوص دسترسی به فضاهای شهری بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که بدن زنانه یکی از عوامل مهم ایجاد محدودیت است. ترس از تعرض و تجاوز، زنان را از فضاهای شهری دور نگه می‌دارد. طراحی محیطی شهر که برای زنان دارای فرزند و زنان خانه‌دار و همین‌طور فیزیولوژی خاص زنان جایی در نظر نگرفته است، در دسترسی نداشتن زنان به این فضاها نقش مهمی دارد. از طرف دیگر، باید به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر شهر اشاره کرد که حضور زنان را به شرایطی منوط می‌داند که این شرایط برساخته اجتماع است و عموماً فضاها را به تملک مردان درمی‌آورد یا به نوعی زنان را برای حضور در فضاها به همسران و کودکان خود وابسته می‌کند.

کلیدواژگان

امنیت، روش تحقیق کیفی، رؤیت‌پذیری، طراحی کالبدی، فضاهای جنسیتی، فضاهای شهری.

1. Naghdi@basu.ac.ir

2. Darabii.sara@gmail.com

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه همدان

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۰

مقدمه و طرح مسئله

همراه با گسترش شهرها، تحولات اجتماعی بسیاری رخ داده است که مشارکت و افزایش حضور زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی یکی از آنهاست. دسترسی زنان به خدمات و فضاهای شهری بهبود یافته، اما همچنان در شهرهای کمتر توسعه‌یافته این مشکل جدی است. با آنکه درک فضاهای شهری متأثر از ویژگی‌های فردی، سرعت حرکت، تفاوت‌های گروه‌های مختلف سنی، جنسی، فرهنگی و اجتماعی، شیوه زندگی، طول مدت سکونت در یک منطقه و روش جابه‌جایی در شهر است، در کل می‌توان شکست یا موفقیت یک فضای شهری را در قالب حضور زنان و مردان و میزان و تنوع فعالیت‌های آنان تبیین کرد. این در حالی است که میزان و نحوه حضور مردم در فضا، همچنین رفتار و کنش‌های آنها مبتنی بر هنجارهای اجتماعی- فرهنگی رایج در جامعه تنظیم می‌شود [۴]. پژوهشگران فمینیست معتقدند که شهر ساخته مردان است چون زنان در طراحی و ساخت آن نقش خیلی اندکی دارند و منافع خیلی کمی از محصور بودن در این محیط ساخته مردان کسب می‌کنند [۱۳]. بدین ترتیب، حضور زنان در فضاهای شهری را باید با توجهی ویژه بررسی کرد؛ چه این حضور در شرایط مختلفی صورت می‌گیرد که می‌تواند هم محدودکننده باشد و هم تشویق‌کننده. مسئله حضور زنان در عرصه‌های شهری و دسترسی عادلانه به فضاها و خدمات شهری در درون رهیافت‌هایی چون حکمرانی خوب شهری، شهرسازی انسان‌گرا و دیدگاه‌های زن‌گرایانه مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است. تحقق این موضوع در شهرهای کمتر توسعه‌یافته‌ای چون ایلام راه درازی در پیش دارد؛ اگرچه بسیاری بر این عقیده‌اند که با گسترش شهرنشینی در یک جامعه فرصت ارتقا و بهبود شرایط و برخورداری بیشتر برای زنان از حقوق اجتماعی فراهم می‌شود [۹]. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به‌رغم عاملیت زنان در عرصه‌های خصوصی و خانوادگی در عرصه‌های عمومی، درصد آن پایین است [۱۰]. امروزه، شهرسازی مردانه و محیط‌های نامطلوب شهری سبب شده که برخورداری زنان از فضاهای عمومی شهری کاهش یابد و نوعی بی‌عدالتی در جامعه حاکم شود [۲]. از طرف دیگر، درک و تجربه زنان از فضاهای شهری و نیز میزان، نحوه و چگونگی دسترسی آنان به فضاهای شهری متفاوت است. این مقاله حضور زنان را در فضاهای شهری در شهر ایلام بررسی می‌کند و در پی شناسایی عوامل محدودکننده حضور زنان است.

شهر مردانه

مفهوم فضا و فضاهای شهری از مفاهیم مورد مناقشه حوزه جامعه‌شناسی شهری‌اند. اینکه فضا دقیقاً چیست یا کجاست، یا اینکه چه فضاهایی را عمومی بدانیم و... از گذشته دور تا امروز مورد بحث و کنکاش بوده‌اند. امروزه، متفکران معتقدند که فضا امری اجتماعی است. در واقع

برساخته‌ای اجتماعی است که نحوه و چگونگی استفاده از آن نیز به اجتماع پیرامون آن بستگی دارد. این فضا سرشار از نابرابری‌هاست و انواع گوناگونی از اقلیت‌ها، پیدا و پنهان، از آن محروم‌اند. «فضاهای جنسیتی»^۱ عنوانی است که نمایانگر دسترسی نابرابر مردان و زنان به فضاهای شهری است. بعضی از فضاها را می‌توان مردانه و بعضی را زنانه نامید، اما اغلب فضاهای شهری در میانه این دو مفهوم قرار دارند؛ یعنی نه کاملاً مردانه‌اند، نه کاملاً زنانه، بلکه زنان و مردان شهر، با نسبتی نابرابر، از آن استفاده می‌کنند و هریک مایل به افزایش حیطة قدرت و نفوذ خود هستند. به عبارتی، فضاهای شهری عرصه چالشی جنسیتی است. در این میان، تفکر درباره حضور زنان دست‌مایه پژوهش فمینیست‌ها و جامعه‌شناسان شهری بوده است.

فضاهای شهری اگرچه بسیار بزرگ و برانگیزاننده‌اند، درعین حال سرشار از غریبگی، ناامنی و هراس‌اند. به همین دلیل، فضاهای شهری اغلب آن جاذبه‌ای را که برای مردان دارند برای زنان ندارند. به همین دلیل، بسیاری از نویسندگان فمینیست ضدشهرند [۶]. اسپین^۲ (۲۰۰۵) در اثرش نشان داد که فضاهای جنسیتی شهری برای قلمرو عمومی بسیار مهم‌اند، زیرا آن‌ها به زنان هویتی خارج از خانه و خانواده می‌بخشند و برایشان فضایی امن را فراهم می‌کنند [۷]. به نظر میشل باندز (۲۰۰۴) نظم پدرسالارانه جوامع غربی به وسیله شکل شهر تقویت شده است، زیرا فضا جنسیت‌زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند. ترس از خشونت و تعدی، اعتمادبه‌نفس تعدادی از زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آن‌ها محدود کرده است. ترس زنان، انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه است. باندز دیدگاهی را که معتقد است ترس یک خصیصه زنانه است به چالش می‌کشد و معتقد است که محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و هم در بساخت هویت به معنای تحت سلطه بودن آن‌هاست. به همین دلیل زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند. آن‌ها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه‌ای که متعلق به آنان نیست و قوانین خود را به آن‌ها دیکته می‌کند، مواجه می‌شوند [۱].

در فضاهای عمومی، زنان باید هوشیار باشند. آن‌ها در معرض تعرض یا حتی خطر قرار دارند. زنانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، اگر می‌خواهند که با فضای عمومی گفت‌وگوی موفقی داشته باشند، باید واقعاً «باهوش خیابانی»^۳ باشند [۱۱]. به نظر برخی صاحب‌نظران این حوزه، مردان و زنان در یک مکان محدود قرار داده می‌شوند و آزادی حرکت ندارند [۱۳]. «منشور اروپایی زنان در شهر» (۱۹۹۴-۱۹۹۵) نمونه‌ای از توجه به رابطه زنان و شهر است. جدول ۱ منشور را به تفکیک اجزای آن نشان می‌دهد [۳].

1. gendered spaces
2. Spain
3. street smarts

جدول ۱. منشور اروپایی زنان در شهر

<p>- پایین بودن میزان حضور زنان در بیشتر سطوح تصمیم‌سازی مرتبط با شهر، مسکن، برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛</p> <p>- تأثیرپذیری زندگی روزمره ساکنان شهر از شرایط زندگی (خانه و محلات) و بی‌توجهی به کیفیت خدمات شهری متناسب با زنان؛</p> <p>- تبعیض علیه زنان به هنگام اشتغال؛</p> <p>- توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری به خانواده‌های تک‌هسته‌ای (اشتغال زنان در محیط داخلی خانه، مردان خارج از خانه و در فاصله‌ای دور)؛</p> <p>- استفاده از نظریه‌ها و روش‌های منسوخ در شهرسازی و استفاده از آن‌ها در طراحی محیطی.</p>	<p>بیانیه منشور (طرح مسئله)</p>
<p>- ایمنی یا ناامنی در شهر؛</p> <p>- تعداد و کیفیت خدمات مرتبط با محله یا جامعه محلی؛</p> <p>- تسهیلات و امکانات مرتبط با نگهداری کودکان در طول روز؛</p> <p>- حمل‌ونقل شخصی (دوچرخه، خودرو و...) حمل‌ونقل عمومی / کیفیت - محیط‌زیست / دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی؛</p> <p>- دسترسی به مراکز تصمیم‌سازی (مثلاً در مقیاسی کوچک، مراکز محله و شورایی‌ها) در سطح شهر / توزیع مشاغل و نحوه دسترسی به آن‌ها در سطح شهر.</p>	<p>شناسایی عناصر و عوامل تعیین‌کننده حضور زنان در فضاهای شهری</p>
<p>- مشارکت زنان و به‌روزرسانی فرایندهای تصمیم‌سازی؛</p> <p>- افزایش تبادل اطلاعات و طرح‌های نوین و ابتکاری؛</p> <p>- تعیین شاخص‌های مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از دیدگاه زنان؛</p> <p>- آگاه‌کردن مردان و عادت‌دادن آن‌ها به اینکه تفکر فرایندی است که هر دو جنس زن و مرد را دربرمی‌گیرد.</p>	<p>تعیین ابزار به منظور شناخت علایق زنان در سطح شهر و فضاهای عمومی</p>
<p>ایجاد فرصت‌های برابر در مواردی همچون خدمات، مسکن، ایمنی و تحرک برای زن و مرد در زندگی شهری.</p>	<p>هدف اصلی منشور</p>
<p>- طرح یک نظریه جدید در برنامه‌ریزی شهری؛</p> <p>- کمک به مباحث برابری فرصت‌های اجتماعی؛</p> <p>- مورد توجه قرار دادن نیازها و توقعات مختلف شهروندان اعم از زنان و مردان.</p>	<p>اهداف فرعی</p>
<p>- برنامه‌ریزی شهری و محیط‌زیست / تحرک و پویایی / ایمنی اجتماعی / مسکن</p>	<p>معیارهای اصلی</p>
<p>زنان در شهر و شهروند فعال</p> <p>- شهروندان فعال باید از یک‌سو به تأثیرات محله و شهر و از سوی دیگر به چگونگی عملکرد مکانیسم‌های اقتصادی، سیاسی، سازمان‌ها و مسئولان حاکم بر خود نظارت داشته باشند.</p>	<p>بندهای کلیدی منشور</p>
<p>زنان در شهر و مساوات در دموکراسی</p> <p>زنان باید در تمام سطوح فرایند تصمیم‌سازی، به‌ویژه برنامه‌ریزی و طراحی شهری، فضاهای عمومی، مسکن، حمل‌ونقل و کیفیت محیط‌زیست مشارکت کنند.</p>	<p>زنان در شهر و فرصت‌های برابر</p>
<p>فرصت‌های برابر باید در آموزش و تحقیقات، در محل‌های کار و تمام مقوله‌های</p>	<p>فرصت‌های برابر برای آموزش و تحقیقات، در محل‌های کار و تمام مقوله‌های</p>

ادامه جدول ۱. منشور اروپایی زنان در شهر

مرتبط با برنامه‌ریزی شهری و کشوری، فضاهای شهری، مسکن، حمل‌ونقل و ایمنی در شهر ایجاد شود.	بندهای کلیدی منشور
زنان در شهر و مشارکت باید فرایندهای مشارکتی برابر برای زنان ایجاد شود تا پیوستگی اجتماعی مورد توجه و حمایت قرار گیرد.	
زنان در شهر و زندگی روزانه زندگی روزانه از دید یک زن، باید به‌منزله یک موضوع اساسی در نظر گرفته شود.	
زن در شهر و توسعه پایدار زنان باید در نگهداری تعادل اکولوژیک روی زمین کاملاً مشارکت کنند.	
زنان در شهر، تحرک و امنیت اجتماعی هر زنی، به‌خصوص زنان تنگ‌دست و منزوی، باید به‌آسانی به حمل‌ونقل عمومی دسترسی پیدا کنند تا بتوانند آزادانه رفت‌وآمد کنند و از زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر لذت ببرند.	
زنان در شهر و حق داشتن مسکن زنان شایسته داشتن حق مساوی برخورداری از مسکن و سکونت‌اند.	
زنان در شهر و مسائل مربوط به جنسیت مسائل مربوط به جنسیت در شهر باید به‌منزله منشا ایجاد یک فرهنگ مشترک جدید شناخته شود و در ایجاد یک فلسفه جدید برای طراحی و برنامه‌ریزی شهری به کار گرفته شود.	
زنان در شهر، آموزش و تجارب محلی مسائل مربوط به جنسیت باید در مدارس، مؤسسات معماری، برنامه‌ریزی شهری و دانشگاه‌ها آموزش داده شود. برای ایجاد این تغییر، انجام تجربه و آزمایش در فضاهای شهری می‌تواند بسیار مفید باشد.	
زنان در شهر و نقش رسانه و انتقال تجربیات رسانه‌ها باید به گسترش پیام‌هایی که کلیشه‌های جنسیتی را خنثی می‌کنند، یاری رسانند و زنان را در نقش‌هایی نشان دهند که پیشرفت و رهایی آنان را بازتاب می‌دهد.	

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر کیفی است. در این پژوهش، از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. تعداد نمونه‌ها باید به اندازه کافی باشند تا امکان مقایسه‌های معنادار میان مقولات انتخاب‌شده را، که با پرسش‌های تحقیق در ارتباط هستند، فراهم کند. به همین دلیل، زنان را راوی تجربه زنان خویشتن قرار داده و با ۱۵ زن از سطح شهر ایلام مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. تقسیم‌بندی اولیه زنان برحسب اشتغال، تحصیلات، سن و وضعیت تأهل بوده است. با تحلیل مصاحبه‌ها و مرور

مشاهدات محققان، این مفاهیم استخراج شدند. این مصاحبه، ۳ مورد در پارک، ۴ مورد در دانشگاه، ۴ مورد در محل کار و ۴ مورد در منزل انجام گرفته است.

یافته‌ها و مفاهیم

در این تحقیق، منابع نظری مرور شده‌اند. هدف از این مرور، استخراج مفاهیم قبلی مورد استفاده سایر محققان است. در این پژوهش نیز، برخی از مقولات از مطالعات پیشین برگرفته شده‌اند و برخی دیگر را خود محقق بر ساخته است.

بدن زنانه و احساس ناامنی

به‌طور کلی، زنان، در مقایسه با مردان، در فضاهای عمومی احساس ناامنی بیشتری دارند [۸]. زنان ایلامی در فضاهای شهری با محدودیت‌هایی این‌چنینی مواجه‌اند. خیابان‌های شهر، هنگام شب، خالی از زنان تنهاست. حتی هنگام روز، در نقاط خلوت یا نقاطی که تردد در آن‌ها محدود است، زنان حضور ندارند. پارک‌های شهر را نیز می‌توان فضاهای دور از دسترس زنان نامید. به جز چند پارک محله کوچک، که در محله‌های شهرند و اغلب زنان بچه‌دار در آنجا دیده می‌شوند، سایر پارک‌ها یا در تصرف مردان است یا خانواده‌ها و جایی برای حضور زنان به‌تنهایی یا دسته‌های زنانه در آنجا تعریف نشده است. زنان با تجربه زیسته خود و به صورت شهودی فضاهای امن را از ناامن تفکیک و حضور خود را به فضاهای امن محدود می‌کنند. خیابان‌های تاریک، خلوت، و بلوارها از مکان‌های ناامن محسوب می‌شوند.

معمولاً وقتی هوا شروع به تاریک شدن می‌کند، دیگه نباید زن بیرون باشه. آخه امنیت نداره. به نظرم همه‌جا همین جوریه، نه فقط ایلام. باز اینجا کمی مردم متعصب‌ترن (ملوک، ۴۵ساله).

طراحی کالبدی و فضاهای جنسیتی

شهرها را مردانی طراحی کرده‌اند که شناخت نامحدود یا اندکی از نیازها و خواسته‌های زنان داشته‌اند. فیزیولوژی خاص زنان در بسیاری از موارد آنان را از فضاهای شهری دور نگه می‌دارد. نامتناسب بودن طراحی شهر، خیابان، پیاده‌رو و... سبب می‌شود در بسیاری از موارد توان دسترسی زنان به دلایلی که گاهی خود نیز دقیقاً از آن اطلاع ندارند، سلب شود.

من خیلی دوست ندارم برم خیابون آیت‌الله حیدری. چون جدول‌های بزرگی داره و نمی‌تونم ازش رد بشم. مخصوصاً وقتی کفش پاشنه‌بلند پوشیده باشم. باید حتماً کسی دستم رو بگیره (نفیسه، ۲۵ساله، شاغل).

شهر پر از مادران و زنان خانه‌داری است که احتمالاً بیشتر از هر قشر و گروه دیگری با شهر و ساختار آن تعامل دارند. این زنان، با سبد خرید مایحتاج منزل، اگر بخواهند از سرویس

حمل و نقل عمومی استفاده کنند، باید مسیری طولانی را طی کنند؛ در صورتی که بچه‌ای در آغوش داشته باشند یا دست کودکی در دستشان باشد، وضع بغرنج‌تر می‌شود. یک راه می‌ماند، آن هم تاکسی دربست. اما چند درصد زنان توان استفاده از تاکسی دربست به ازای هر بار بیرون رفتن را دارند؟ از طرف دیگر، بسیاری از مسئولیت‌های کودکان برعهده زنان است. امروزه با گسترش شهر و بزرگ‌شدن مداوم آن، شاهد دور شدن پیاپی خانه‌ها از مرکز شهر هستیم. برای مادری که می‌خواهد بچه‌اش را به یک کلاس زبان در مرکز شهر ببرد، چقدر امکانات حمل و نقل فراهم است؟ منطقه‌بندی صحیح و کاربری صحیح اراضی از مسائل مهمی است که بر استفاده زنان از فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. عدم پراکندگی مناسب خدمات در همه نقاط شهر، عرصه را بر زنان ایلامی تنگ کرده است. شهر برای زنانی طراحی شده که یا ماشین دارند، یا همسرانی کاملاً همدل که همه وظایف مربوط به خرید و امور کودکان را برعهده بگیرند.

بچه‌ها بزرگ شده، هزارتا خواسته داره. گاهی که همسرم نیست باید خودم ببرمش استخر. اما همیشه مشکل دارم. یا باید آژانس بگیرم، یا به مسیر طولانی رو با یه بچه پیاده برم. آخه ایستگاه اتوبوس خیلی از ما دوره و تاکسی‌ها هم مسیرشون نمی‌خوره (فیروزه، ۲۸ساله).

پیاده‌روها از مکان‌هایی هستند که به نیازهای زنان در آن‌ها توجهی نشده است. گاهی پیاده‌روهای باریک سبب می‌شوند کل عرض مسیر به علت مردانسی که مقابل مغازه خود یا دوستان خود تجمع می‌کنند، گرفته شود و مکانی برای عبور زنانی که خواهان حفظ فضای خصوصی بدن خود و گریز از نگاه‌های کنکاشگر بعضی مردان‌اند، باقی نماند.

نظارت اجتماعی

نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می‌کنند تأمین می‌شود و حضور مردم، چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا می‌دهد و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. جاکوبز نیاز به چشم‌های نظاره‌گر صاحبان طبیعی راه، هم ساکنان و هم استفاده‌کنندگان، در نظارت مؤثر می‌داند. این نظارت می‌تواند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت شود [۵]. به همین دلیل، زنان تردد در مسیرهای شلوغ را ترجیح می‌دهند. این شلوغی حس امنیتی به آن‌ها می‌دهد که محیط‌های خلوت فاقد آن است.

رؤیت‌پذیری

رؤیت‌پذیری زنان میزان حضور آن‌ها را تعیین می‌کند. در خیابان‌های شلوغ بیشتر می‌توان حضور داشت و در خیابان‌های خلوت باید دلیلی برای بودن داشت؛ دلیل موجهی مانند کار یا خرید. زنان ایلامی در معرض قضاوت و نگاه دیگرانی هستند که هم شامل مردان می‌شود و هم شامل هم‌جنس‌های خودشان. این قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها محدودیت‌هایی بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

یه مسیر رو نمی‌شه دوبار پیام، آخه احساس می‌کنم مردم و مغازه‌دارها یه جور یه نگام می‌کنن (فیروزه، ۲۸ساله).

مردان در برابر مردان

زنان استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با ناامنی‌های موجود دارند. مهم‌ترین استراتژی زنان برای حضور در فضاهای خطرناک همراهی با مردی از خانواده خود-عموماً پدر، برادر و همسر-است. اگر امنیت آن‌ها از سوی مردان جامعه بیرون به خطر بیفتد، راه حل آن را در وارد کردن مردان درون خانواده خود به این کارزار می‌یابند. گویی مبارزه‌ای در جریان است بر سر چیزی با ارزش؛ مهاجمان، مردان غریبه‌اند و مدافعان، مردان خودی. این استراتژی تقریباً همیشه جواب می‌دهد و در صحبت‌های همه زنان به نوعی به آن اشاره شده است. به نظر می‌رسد همراهی مردان خانواده، حضور زنان را در همه جا موجه می‌کند؛ حتی در جاهایی که بدون همراهی مردان حضور در آنجا حتی به ذهن زنان نیز خطور نمی‌کند. اما این قضیه ابعاد متناقضی دارد. از طرفی امکان حضور زنان را در عرصه‌های گسترده‌تری فراهم می‌آورد. از طرف دیگر این وابستگی ایجادشده حضور آن‌ها را به مردان مشروط می‌کند؛ مشروط به حضور و رضایت. اما مسئله این است که هیچ‌گاه مردان خانواده وقت و انرژی لازم را برای همراهی آن‌ها نمی‌گذارند. در واقع، مفاهیمی مانند غرغر کردن بدین معناست که زنان حضور بیرونی خود را به موارد ضروری محدود می‌کنند تا با اعتراض مردان مواجه نشوند. نوعی آزادی مشروط اعطا می‌شود؛ یعنی آزادی از ناامنی مردان بیرونی و مشروط به رضایت مردان خانواده.

خانواده‌ام اجازه نمی‌دن تنها برم دانشگاه. آخه مسیورش دوره. همیشه برادرم یا پدرم من رو می‌رسونن... من این جور دوست ندارم. آخه مجبور می‌شن از کارهاشون بزنن. گاهی هم برادرم غرغر می‌کنه. من هم سعی می‌کنم فقط وقتی کلاس دارم یا کار واجبی دارم برم دانشگاه (زهرا، ۳۰ساله).

جداسازی فضاهای عمومی زنانه

بسیاری از محققان احداث و توسعه فضاهای مخصوص زنان را به جهت ایجاد بستری مناسب برای گذران اوقات فراغت و محیط‌هایی سرزنده و فعال در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان مؤثر می‌دانند و آن را راهکاری عملی برای دستیابی به عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی تلقی می‌کنند [۲]. یافته‌ها حاکی از آن است که تکنیک انضباطی فضا، که این بار خود را به شکل تفکیک جنسیتی پارک‌های عمومی و تأسیس پارک‌های بانوان نشان داده است، به ایجاد فضای مراقبتی و با کنترل بالا موفق شده و با تبدیل پارک‌ها از یک فضای تفریحی و فراغتی به فضای کارکردی، معنای اجتماعی فضا را از آن سلب کرده است.

نتیجه گیری

شهر ایلام در دهه‌های اخیر در مسیر توسعه تغییرات بسیاری کرده است. بافت سنتی این شهر در حال تغییر است. اما به دلیل دوربودن و مرزی بودن نوعی جدافتادگی را با خود به همراه دارد. مطالعات گوناگون مؤید سطح پایین توسعه‌یافتگی استان و شهر ایلام است. طبیعی است در چنین شهر کم‌توسعه‌ای فضا و فرصت برای حضور و دسترسی زنان در فضاهای شهری در مقایسه با دیگر شهرهای ایران کمتر یا با محدودیت‌های بیشتری مواجه باشد. همچنان‌که زمیل عقیده داشت شهرهای بزرگ بی‌نهایت فرصت برای خلاقیت و فعالیت فراهم می‌کنند، اگرچه محدودیت‌های خاص خود را نیز دارند. اما ظاهراً این فرصت برای زنان مغتنم‌تر از مردان بوده است، زیرا مردان، هم در روستاها و هم شهرهای کوچک، هم در گذشته و حال، دسترسی بیشتری به منابع و فرصت‌ها داشتند. با این حال، زمان طولانی سپری شده و در شهرهای سنتی‌تر باید سپری شود تا دسترسی عادلانه‌تری به مواهب توسعه از بعد جنسیتی رخ دهد. جنسیت و فضاهای شهری به لحاظ کاربرد آن برای اجتماع موضوعی جالب و مفید است. در طراحی شهر ایلام، جایی برای زنان و سایر اقلیت‌های محروم و فرودست در نظر گرفته نشده است و دسترسی عدده بسیاری به این فضاها محدود شده است. این قضیه نه تنها آن گروه‌ها را، بلکه کل جامعه را با بحران مواجه می‌کند. حذف زنان و سایر گروه‌های اقلیت از فضاهای شهری، ابعاد انسانی و خلاقانه را از آن‌ها سلب می‌کند و حتی تبعات اقتصادی ناگواری نیز به همراه دارد. نباید از نظر دور داشت که شهر به سوی مدرن شدن می‌رود. عناصر شهری این تغییرات را می‌توان در بلوارها، خیابان‌بندی‌ها، پاساژها، مراکز خرید مدرن و بزرگ و کافه‌ها مشاهده کرد. این تغییرات با خود مفهوم حضور زنان در فضاهای شهری را تغییر داده‌اند. به نوعی، به نسبت گذشته، امکان حضور بیشتری برای زنان در مکان‌هایی مانند پاساژها و کافه‌ها وجود دارد. اما هنوز شهر عادلانه تقسیم نشده است.

در مصاحبه‌های انجام‌شده، عمده زنان به مسئله امنیت، طراحی کالبدی و رؤیت‌پذیری اشاره کرده و آن‌ها را از عوامل محدودکننده حضور خود تلقی کردند. زنان برای غلبه بر این موارد، اغلب به استراتژی‌های فردی نظیر همراهی با مردان خانواده روی می‌آورند. اما پرواضح است غلبه بر این موانع نیازمند کاری جدی هم در سطح کلان، از سوی دولت، و هم در سطوح خردتر و در ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. می‌توان با طراحی شهری مناسب، نورپردازی صحیح، خیابان‌بندی مناسب، منطقه‌بندی اصولی و مواردی از این دست بر این موانع تا حدودی فایق آمد. بدیهی است که برنامه‌ریزی کالبدی باید با تغییراتی در سایر سطوح همراه باشد؛ چه فضای مناسب به‌تنهایی عامل تشویق‌کننده حضور زنان در اجتماع و شهر نیست. به نظر می‌رسد در سطح ساختاری، تشویق حضور زنان در بخش اقتصادی نقش مهم‌تری دارد؛ چه در تحلیل مصاحبه‌ها هم مشخص است که زنان شاغل اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند و در چشم دیگران نیز صلاحیت و مشروعیت بیشتری برای حضور در سطح شهر دارند. مشارکت در سطوح مختلف عرصه اجتماع، از سیاست

گرفته تا فستیوال‌های محلی، امری است که می‌توان با سیاست‌های مناسب به تقویت آن پرداخت. البته راه‌حلی هم برای تقویت این حضور و مشارکت امتحان شده است، اما بیشتر این راه‌حل‌ها از قبل نتیجه‌شان مشخص است. اگرچه بعضی از راه‌حل‌ها، نظیر جداسازی فضاهای زنانه و ایجاد تسهیلات خاص زنان، مانند پارک بانوان، ممکن است در کوتاه‌مدت جوابگو باشد، در بلندمدت باید برنامه‌ریزان شهری دسترسی آسان به خدمات و فضاها و مواهب توسعه را برای زنان و دختران در سطح شهر ایلام فراهم کنند. در غیر این صورت، محدودیت‌های فعلی به ضرر زنان و کل جامعه است. در نهایت نیز، آزمون هریک از این راه‌حل‌ها باید با دقت و مطالعه فراوان و مشارکت واقعی زنان ایلامی انجام شود؛ مطالعه‌ای که به همه ساحت‌های زندگی در شهر ایلام بپردازد، شهری که ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ از اسکان عشایر گرفته تا رشد سریع جمعیت و رشد بالای جوانان تحصیل کرده. شهری که به نظر می‌رسد در حال گذار از سنت به مدرنیته است. می‌توان با تسهیل مشارکت همه اقشار در همه سطوح، این گذر را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر کرد.

منابع

- [۱] ابادری، یوسف؛ صادقی‌فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، پژوهش زنان، دوره ۶، ش ۱، ص ۷۵-۱۰۳.
- [۲] برومند، مریم؛ رضایی، سولماز (۱۳۹۱). «ارزیابی کارکرد بوستان‌های زنان در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری (نمونه موردی بوستان آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران)»، نخستین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، تهران.
- [۳] پرتوی، پروین (۱۳۹۱). «کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری»، نخستین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، تهران.
- [۴] حبیبی، میترا (۱۳۹۱). «کیفیت و تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تأثیر آن بر حضور زنان با تأکید بر شهر تهران»، نخستین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، تهران.
- [۵] مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۲، ص ۱-۱۱.
- [۶] مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷). «درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت؛ در جست‌وجوی شهرهای انسانی‌تر»، جستارهای شهرسازی، ش ۲۴-۲۵.
- [۷] کولیوند، شکیبا (۱۳۹۳). «ارزیابی تأثیرات اجتماعی پارک‌های بانوان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- [۸] گلی، علی (۱۳۹۱). «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۳، ش ۲، بهار و تابستان، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- [۹] نقدی، اسداله (۱۳۹۰). *انسان و شهر؛ جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری*، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- [۱۰] نادری، سارا (۱۳۹۲). *درآمدی بر روایت‌های زنانه از شهر*، تهران: تیسرا.
- [11] Benard, D., and E. Schaffer. (1993). The man in the Street: Why He Harasses. In *Feminist Frontiers III*, edited by L. Richardson and V. Taylor, 338-391. New York: McGraw-Hill.
- [12] Bounds, Michael (2004) *Urban Social Theory (City, Self and Society)*, New York: Oxford University Press.
- [13] Gottdiener, Mark and Hutchison, Ray (2011), "The new urban sociology", westview press.